■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

پنجشنبه ۲۵ دی ۱۳۹۹|۳۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۲|۲۰ صفحه|سال بیست و یکم - شماره ۵۸۵۵|استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان|Thursday - January 14, 2021

حدیث روز: بحارالانوار
پیامبر اسلام (ص)
بنده با خوش‌اخلاقی به مقام روزه‌گیر
شب‌زنده‌دار می‌رسد

واحه: سعدی
بگریست چشم دشمن من بر حدیث من
فضل از غریب هست و وفا در قریب نیست

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۲/۱۳ — غروب آفتاب: ۱۷/۱۳
اذان مغرب: ۱۷/۳۳ — نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۹
اذان صبح (فردا): ۵/۴۵ — طلوع خورشید(فردا): ۷/۱۳

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	ایلام	بندرعباس	تبریز	رشت	زاهدان	زنجان	شیراز
۱۴ / ۵	۱۶ / ۳	۲۶ / ۱۰	۱۰ / ۰	۱۸ / ۱۱	۱۹ / ۱-	۱۰ / ۱-	۱۷ / ۰

امروز در تاریخ:
تصویب طرح چاپ فرهنگ دهخدا در مجلس شورای ملی (۱۳۲۴ش)
آغاز ساخت پل خرمشهر- آبادان روی رود کارون (۱۳۳۶ش)
درگذشت غلامرضا طباطبایی بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر (۱۳۸۴ش)
درگذشت سرگئی کورولف، نخستین طراح سفینه‌های فضایی شوروی (۱۹۶۶م)

حکمت ۷۱: نهج‌البلاغه
چون عقل به کمال باشد
سخن اندک گردد.

گفت‌وگو با هوشنگ جاوید؛ مدرس و پژوهشگر موسیقی آیینی اقوام ایران‌زمین وعضو شورای عالی ادب وهنر امور استان‌های سازمان صداوسیما

فقط به فرهنگ ایرانی فکر می‌کنم

بای بسم‌ا...؛ کافی است به یاد بیاریم تا پیش از کوشش‌های ایشان هرگز نمی‌دانستیم هر قومیت ایران‌زمین موسیقی ویژه خود را دارد. این مخلص در بمپور که خدمت استاد شیرمحمد اسپندار رفتم امیدی به نسل نو دیارش نداشت. امیدش به تهرانی‌هایی بود که برای فیض بردن از تجربیات پیران فرزانه‌ای چون او یا حاج‌قربان و عثمان آن‌همه راه را با پای عشق کوتَه می‌کردند با استاد جاوید همسخن شوید که بی‌کوشش‌هایش موسیقی ایرانی بی‌صداتر می‌شد.

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

پا در راهی به‌نام هوشنگ جاوید؟

(با لبخندستان) هیچی، من فقط ایران رو به دنبال موسیقی طی کردم تا دریابم چه راز و رمزی درین موسیقی هست.

قضیه این لقب مارکوپولو؟

چون در یه سفر مثلا ۱۱هزارکیلومتر راه رفتم.

به کجاهای این بی‌انتها (موسیقی ایرانی) رسیدین؟

رسیدم به اون چیزهایی که در باورم نمی‌گنجید خیلی چیزها رو هنوز پیدانکردم.

شما که در پژوهش موسیقی اقواممون پرکارهستین؟

هرچه جلوتر رفتم پایان این راه رو پیدانکردم. ناشناخته‌های بیشتری جلوم اومد فقط درباره هفت مضمون نوین در دوبیتی‌ها شده یه کتاب۲۰برگی که سرفصل‌های دیگه‌ای هم داره.

درباره لالایی‌های ایران پژوهش و پارسرایی کمینه کتابی‌شده:

آخرین کتابم گلستان‌چامه‌ها، بررسی لالایی‌های استان‌گلستانه.

یه فوتِ کوزه‌گری الهام‌بخش که از استاد مسعودیه فراگرفتین؟

تعهد به خودِ هنرِ موسیقی ایرانی.

موسیقی غَنی اقلیمی تمدنِ‌گمشده است؟

بله پیشترها گفتم و نوشتم دهه۷۰ برای ما یه اقیانوس ناشناخته است.

هنوزهم؟

بلـه، چون کاوش نشـده و اینهایی که می‌بینین از هر ۱۰۰نفر، یکی توجه جدی داره بقیه پیرو همین یك‌نفرن.

افتخاردارن که شاگرد فلانی‌ام!

ایجادکننده نیستن فقط افتخار شاگردی دارن.

آرزویی برای موسیقی اقلیمی؟

ای کاش به ایجادکننده‌ها می‌رسیدیم.

در همین راستا یه آرزوی دیگه؟

امیدوارم برنامه‌ریزی‌های فرهنگی درست صورت‌بگیره. جوان‌ها رو از موسیقی نواحی ایران فراری ندین.

نخستین‌کنسرت ترکمن‌ها پس از انقلاب، ترکمن‌صحرا بودم شگفتا موسیقی!

بخشی‌های اصلی، اون موقع بودن.

موسیقی ترکمن‌های ایران؟

تنها بخشی از موسیقی‌ترکمن که با شکل‌ها و اصالتِ درست باقی مونده در گلستانه. در ترکمنستان هم دیگه به این‌شکل باقی نمونده.

موسیقی فراتر از الفباست. زبانِ مشترك جهانه، این چند دهه چی‌شده، لکنت پیداکردیم یا؟

نخیر، اربابان فرهنگی جلوی غرب تعظیم‌کردن، فرهنگ خودمون رو فراموش‌کردن و پذیرای فرهنگ خارجی‌شدن.

انگار اصلِ مساله اینجاست؟

ای کاش این نگرش درست بشه. جوان بیچاره گناهی‌نداره. چیزی بهش ندادن که طلبی ازش داشته باشن.

کی حس‌کردین تولد دوباره رو؟

نخستین جشنواره موسیقی نواحی.

بنیاد این جشـنواره‌ها و توجه به موسـیقی نواحی ایران رو شما سال۷۰ در حوزه هنری گذاشتین.

همون جا حس‌کردم حرف خودم رو دارم می‌زنم و رسیدم به این‌که می‌شـود نگاه دیگه‌ای داشت می‌شود تازه شد. تازه نگاه کرد.

نگره موسیقایی الان‌تان؟

هنوز فکرمی‌کنم می‌شود این کار رو کرد به شرطی که درسـت باشـه و زمینه‌هاش فراهم باشـه. متاسفانه دستگاه‌های فرهنگی، زمینه‌ها رو کمتر فراهم می‌کنن.

برای کنسرت، راحت سرمایه‌گذاری می‌کنن اما برای پژوهش؟

هیچ صحبتش رو نکن، هیچ حکایتی نیست؛ مخصوصا پژوهـش موسـیقی. انگار می‌خوای جیـب خیلی‌ها رو آتیـش بزنی. این دانش نه شـناخته شـده اسـت، نه سرمایه‌گذار جدی داره.

اگه پژوهش و پژوهشگر موسیقی مهم بود؟

اگه بود! وزارت ارشاد در بخش نظارت از چرخه ارزیابی هنرمندهـا حذفش نمی‌کرد. نوازنـده آکاردئون درجه هنری می‌گیره پژوهشگرموسیقی ایران به شمار نمیاد

وقتی باروِن الهام میاد؟

فقط بایدشکرکرد و نماز خواند.

سـپهری در ایـن فضـا میگـه: وضوش رو بـا تپش پنجره‌ها می‌گیره شما با چی؟

(بسـیارخندان) مگه مهمه! هرکسـی حال خودش رو داره. واقعیت قضیه اینه که یاد گرفتم هر وقت بارون میاد این کار رو انجام بدم.

چه بارون معمولی، چه الهام؟

فرق نداره جزو کارهای همیشه منه.

احساس تنهایی چه وقت میاد؟

همیشه هست.البته تا تنهایی رو چی ببینی.

یکه و خودشکوفا بودن؟

از این نظر اگه انسان به خودستایی نرسه به خودشناسی برسه خوبه.

فیضی که همیشه شما رو نواخته؟

من به نگهبان جهان اعتقاد دارم خداوند رو همیشه ناظر بر کارهام دیدم هیچ وقت توکلم بریده نشده.

شده کم بیارین؟

بارها زمین خوردم اما ناامیدنشدم کارم رو کردم چون باور داشتم تا اون نخواد چیزی پدید نمیاد.

پیامد برگزاری ۱۸جشنواره موسیقی‌اقلیمی؟

اگه اون حرکت اولیه و شوق و الهام اولیه اون خواستن از بالا نبود، کار انجام نمیشد.

هنوز اون شوق می‌توفه؟

هسـت و خواهـد بود. انسـان بـدون تـوکل نمی‌تونه کار بکنه.

چه خوب! اون تعهد رو چه جور آموزش میدین؟

انسان در ارتباط با فرهنگ باید اول به وجدان خودش تعهـد بِـده باید ببینی خـودت چقدر بـه اون فرهنگی پایبند هسـتی که می‌خوای بیاموزانی. وجدانت چقدر با خودت راحته این مهمه.

موسیقی اقوام ایرانی ساکته؟

آهنگسـازهایی بهـش پرداختن، ولی ته تولیدشـون صـدای ارکسـتر آرام خاچاطوریـان و راخمانینُـف رو می‌شنوی روح ایرونی نداره.

یـه دوره فقـط ارکسـترها صدای ایرونی داشـتن مثل آثار روانشاد استاد علی تجویدی.

بـا اغمـاض ۷۰ درصد کارهاشـون صـدای ایرونی رو حداقل از ارکسـتر می‌شنوی. شـما الان چه صدا و طنین ایرانی از ارکسترها می‌شنوین؟

هیچی واقعا.

مقلـد اروپایی‌هـان، بدون هیـچ خلاقیتی. متاسـفانه سـمفونی فـلان و بهمـان تولیـد کردن ته صداشـون اروپاییه انگار خواسته اونا رو راضی‌کنه.

اگه بخوان کاردرست باشن باید؟

بایـد صدای ایرانی رو جذب کنن، ولی صدای ایرانی رو فراری میدن. همیشه گفتم، بازم میگم ترسی ندارم. نه بدهکارم، نه طلبکارم و نه پدرکشتگی داریم. حقیقت اینه که صدای ایرانی از این همه سمفونی‌های ساخته‌شده نمی‌شنوین. به جرات میگم.

فرق موسیقی ما و اروپا این مثاله انگار؛ حاج‌قربان کـه می‌نواخـت بر دسـته سـازش پرنده می‌نشسـت بر شانه بتهوون عنکبوت!

موسـیقی شـرق برگرفتـه از ارتباط انسـان بـا طبیعت افلاك خداست. بیشتر باورمدارانه است.

حتی موسیقی درباری؟

موسـیقی شـرق به دوشـکله؛ یا درخدمت دربار بوده مثـل باربـد ساسـانی یا این‌کـه مثل زریاب بر اسـاس الهـام خلق‌می‌کرده یـا زلزل رازی که کارهاشـو موصلی به نام خودش اجرامی‌کرده و شـکل موسیقیش جور دیگه‌ست.

از شکل‌های کهن نادیده موسیقی؟

دادآفریـد. آفرین‌خوانی‌هـا کـه نوعی ذکره و سـتایش رفتگان که پس از اسلام میشه ذکردرمانی. سند داریم از صدر اسلام درباره بیهوش‌کردنِ بیمار با خوندن قرآن و ذکـر بـرای جراحی البته الان هسـتن خیلی کم. اینها نادیده‌گرفته شده.

دلتون رو کجا جاگذاشتین؟

از بچگـی یادگرفتـم فقـط بـه فرهنگـم فرهنـگ ایرانی فکرکنم و ایرانی بمونم. این خیلی‌مهمه.

جست‌وجوی بی‌نتیجه؟

گاهی بوده، منتها مایوسم نکرده جای دیگه ادامه دادم.

از کدوم ریسمان سیاه و سفید نمی‌ترسین؟

توی زندگیم از دو چیز نترسیدم: دشمن و نقد. چون نـگاه از بیرونـن مرا از بیـرون می‌بینن و نقـاط ضعفم رو بـه من ارجـاع میدن. منم که بایـد این ضعف‌ها رو برطرف کنم نباید ناراحت بشم. اگه پاسخی‌دارم میدم اگه ندارم باید بپذیرم در من ضعفی هست.

از ویژگی‌هاتون که پیش دوستان مشهوره؟

خـودم باید بگـم؟! میگن خیلـی می‌گـردی چندجایی دیـدم به مارکوپولو تشـبیهم کـردن. واقعیت همینه کـه نمی‌تونم ایـن کار رو نکنم خونه‌نشـینی الان داره اذیتم می‌کنه.

شبیه باد هستین که میره و بر همه‌چی تاثیر می‌ذاره؟

نـور هـم اینجـوره، آب هـم. ولـی خـودم رو بـا هیچی مقایسه نمی‌کنم.

آتشی که در روحتون فروزانه؟

شاید یه جوری از نیاکانم رسیده به سلسله خانوادگیم که نگاه می‌کنم از دو سوی مادر و پدر می‌رسیم به شیوخ بزرگی مثل نجم‌الدین‌کبری همچنین جنگاورانی مثل میرزابیرم در دوران صفوی.

خودتون رو از چه آثاری شنفتین؟

ما که آغاز کردیم هیشکی در سطح ملی موسیقی نواحی رو به این‌شـکل نمی‌شـناخت. موسـیقی بختیاری رو مثلا کی می‌شناخت.

اندك‌ترانه‌هـای گیلکـی و خراسـانی و آذری، کمـی مازندرانی از طریق صداسیما.

این‌که هر وزیری میاد از بایدی توجه به موسیقی نواحی میگه برای من ارزشه یعنی کاری که باید بشه شده.

درسش رو در دانشگاه به اندازه دو واحد گذاشتن.

رشته‌هاش باید باشه چون اینا ارزش‌های فرهنگی ما هستن مثلا برای مکالمه با جهان. به تعداد اقوام ایرانی موسیقی داریم ولی متاسفانه این مهم انجام نشده! در هیچ کدام از موسیقی‌های اقوام ایران، گسست از فرهنگشون رو نمی‌بینی.

به مخاطبان یه نکته مهم می‌فرمایین؟

به فرهنگ و تاریخ خودمون به دقت با مطالعه و جدیت نگاه بکنیم فقط همین.

زیباترین راه‌ها؟

اندیشیدن و تفکر در خود و اون حال.

چی همیشه آزارتون میده؟

ساده‌نگری بدون اندیشه، این بیماری‌ای که درگیرکرده جامعه رو.

دردسر بزرگ یه انسان فرهیخته؟

چـون بیشـتر بـا دردهـا و منشاشـون آشناسـت رنج می‌کشـه و این بدترین چیزیه که برای یه فرهیخته در کشورما هست چون حمایت هم نمیشه بدتر میشه. براش مثل مردنه در پیله خود، اینجوری بهت بگم.

جوان‌های امروز استادپذیر هم نیستن.

نسل نو اهمیتی نمیدن. شما اروپا و آمریکا رو ببینی. به تمام پدیدآورندگان بنیانگذاران با احترام نگاه می‌کنن.

چه کارکردیم که طرف دوسه ماه رفته کلاس میگه عثمان حق‌پرست بلد نیست دوتار بزنه؟

ایـن بدتریـن چیزیـه کـه در جامعـه داره رخ میـده؛ یعنی بنیادگـذار اصلـی رو فراموش‌کـردن و خـود رو دیـدن بدترین‌چیـزه. تعریـف همـون سـاده‌نگری بی‌اندیشه است.

شما چه روزهایی سرسبزترین؟

هیچ‌روز خدا با دیگر روزها یکی نیست. روزها و رنگاشون متفاوتن. آفتاب امروز با فردا فراوان تفاوت داره. همه روزها آنات خداست. باید ازین آنات بهره گرفت.

این روزهای رنگی چی می‌آموزه؟

یاد میده جهان همواره رنگ عوض می‌کنه. باید بیاموزی یکرنگ باشی و الا رنگارنگی فراوانه.

زیباترین رنگِ جهان؟

زیباترین رنگی که جهان در نهایت به خودش می‌پوشه سفیده! برف سفید.

این‌که میگن بالاتر از سیاهی رنگی نیس چی؟

به نظرم همون بحث سیاهی خاکه وقتی بارون میزنه اینها برداشت‌های منه...

سـیاهی خـاك یعنـی همـون کـه عاقبـت گِلِ کوزه میشیم؟

این هم هست اما معلوم نیس ما گل کوزه‌گران بشیم شاید گِلِ چیز دیگه‌ای بشیم(خنده).

یا سخن سعدی: چو عاقبت خاکست/ خاك شو...؟

چیزه! اینها شـعارهای احساسـیه. اون شـناختی برام مهمه که در زندگیم پیداکردم.

مثلا؟

در دنیا مسائلی هست که بهش بپردازیم شگفتی‌سازه. یه سری کارها دست خودمونه. یه سریشون حمایت میشـه از یـه جایی، باید امیـدوار باشـیم اون حمایته برسه تا بتونیم پیش ببریم. اون توامانی عشق و امید و توکل باید باشه.

اگه نباشه؟

میشه مصداق خسـرانی که خداوند توی قرآن میگه. مث کرونا که توی چین ساختنش و نتونستن جلوش رو بگیرن داره جهان رو نابود می‌کنه. اگه این خسران نیست پس چیه. اگه پیرو همین سوره باشیم درست توی ذهنمون جاش بدیم برای هفت پشت‌مون بسه.

با کلام خدا اگر کسی پیوند بخوره؟

در سخت‌ترین لحظات هم انسان کمك‌داره جاهایی به داد آدم می‌رسه که در باور نمی‌گنجه حالا یه عده‌ای دوسـت‌دارن حرفا و تفکرهای غربـی رو بپذیرن... من اینجوری زندگی کردم و الحمدلله ناراضی نیستم.

برای آخر سخن؟

خیام شـعر خوبی داره: دشـمن به غلـط گفت که من فلسـفی‌ام/ ایزد داند که آنچه او گفت نی‌ام/...آخر کم ازین که من بدانم که کی‌ام. همیشـه این رو دوسـت دارم و شـعر حافظ: در نظربازی مـا بی‌خبران حیرانند/ من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند. و الا همه‌مون قصه خودمون رو میگیم و میریم...

گزارش الحاق ناو موشک‌انداز زره و ناو بندرمکران به ناوگان نیروی دریایی ارتش

پاسخ عملیاتی ارتش به نمایش‌های نظامی دشمن

اوضاع، سـنگین و نظامی اسـت. علاوه بر نیروهای پایگاه منطقه سوم دریایی نبوت نیروی دریایی ارتش و یگانی از تکنیسـین‌های فنی پایگاه، سرلشـکر موسـوی، فرمانده کل ارتش و امیر خانـزادی، فرمانده نیروی دریایی ارتش هم در کنار سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و هیأتی که از ستاد کل و پایتخت به منطقه آمده، وزن مسؤولان حاضر در مراسم را حسابی سنگین کرده. منشور کلاسیک نظامی جمهوری اسلامی را اگر مرکب از ارتش، سپاه و ستاد کل بدانیم حالا فرماندهان حداقل دوسوم از این منشور کلاسیک در جنوب‌شرقی‌ترین نقطه ایران در ساحل کنارک جمع شده‌اند تا هم دو فروند شناور نظامی را یگان رزمی نیروی دریایی اضافه کنند و بعد از الحاق هم به تماشای رزم موشکی بخش دیگری از شناورهای نیروی دریایی بنشینند.

مریم شریف‌زاده
سیاسی

اوضـاع این روزهای منطقـه و رفت‌وآمدهای هوایی و دریایی نیروهای فرامنطقه‌ای را بگذارید کنار، این موضوع تا مشخص شود که برخلاف تیتررسانه‌های غربی برای انداختن هراس به جمهوری اسلامی و مسؤولانش، نیروهای مسلح کشور چه نگاهی به این شـلتاق‌های نمایشـی دارند و چه واکنشـی به آن نشان می‌دهند. موضوعی که البته درضمن صحبت‌های سرلشـکر باقری هم اشـاراتی به آن شد: «دشـمنان ما از سر ورشکسـتگی در روزهای اخیر نمایش‌هایی به‌ظاهر از قدرت بـا پرواز دادن هواپیماهای دورپرواز خود از آمریکا به منطقه یا بیان برخی از سـخنان یاوه به‌قصد تهدید و نمایش قدرت نسبت به این ملت بزرگ به راه انداختند اما آنها باید بدانند نیروهای مسـلح مقتدر جمهوری اسـلامی ایـران و نیروهای دریایی، اجازه هیچ‌گونه قدرت‌نمایی را به آنها نخواهند داد و دشمن به‌خوبی می‌داند این قدرتشان پوشالی و توخالی است.» به تعبیر آن شـاعر خوش‌ذوق، «دشـمن ار تو سنگ خاره‌ای من آهنم»حالا هم به‌جای سـنگ خاره بگذارید «بی-۵۲های غریبه‌ای» که گهگاه از آن‌سـوی کره زمیـن پا به حریم هوایی غرب آسیا دراز می‌کنند و به‌جای آهن هم بگذارید «بازوی ستبر ارتش و سـپاه و سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی» تا مشخص شود این پروازهای چند هزار کیلومتری آیا توانسته پیـام‌آور رعـب باشـد آن‌چنان‌کـه مطلوب سـران کاخ سـفید اسـت یا آن‌که سرکنگبین‌شـان صفرا افزوده! وسـط این جو سـنگین نظامی، پرواز مرغ‌های دریایی در آسـمان سـاحل و اسـکله پایگاه هم دیدنی شده. ناو موشـک‌انداز زره فعلا در کنار اسـکله آرام‌گرفته است. بماند که هر از چندگاهی موتور دیـزل پرقدرتـش با نیـش گازی همراه می‌شـود شـبیه آنچه رانندگان سنگین با خوش‌رکاب خودشان انجام می‌دهند.

زره، شناور سبک موشک‌انداز

زره قرار اسـت در بخش انتهایی مراسـم و پس از شلیک دو عراده توپ که آیین دیرپای مردان دریاست، آرام از کنار اسکله پایگاه بخرامد و بزند وسط آب و برود لب خط مرزی آب‌های ایران بایستد و گوش‌به‌زنگ باشد که کسی هوس پا و دست‌درازی به آب‌وخاك این سـرزمین به سـرش نزند. یک شناور سبک موشک‌انداز با رادار و چهار فروند موشک کروز برد بلند و دو توپ دریایی و سـامانه‌های جنگ الکترونیک با برد عملیاتی ۱۳۰۰کیلومتری که حالا لباس سربازی برای ایران را به تن کرده و قرار است تا ساعتی دیگر راهی کرانه‌های آب‌های سرزمینی ایران شود. افسران و درجه‌داران ناو، خیلی رسمی روی عرشه ایسـتاده‌اند مثـل بقیه افـرادی که چند متـر این‌طرف‌تر روی اسکله گوش به جایگاه دارند. به‌رسم نیمه دوم سال، لباس رسمی مشکی فصل را بر تن کرده‌اند. منتظرند تا سوار بر مرکب دریایی خودشـان بزنند به دهان خطر. هدف آن‌قدر مقدس هسـت کـه عرصه سـیمرغ‌گون آن را باید ازاله کـرد از هرگونه مگسی که نشانی جولانگاه خود را اشتباه و غلط گرفته. قامت بلند این مردان دریا، گواه اراده آهنین‌شان است.

رئیس سـتاد کل نیروهای مسلح دارد از حدودوثغور دفاع از منافع ملی در ورای مرزهای سرزمینی ایران می‌گوید. یکی دو مرغ سفید دریایی، بال گشوده‌اند و روی نسیم اسکله پایگاه و دقیقا بالای سر زره بالا و پایین می‌روند. چندتایی‌شان حتی از آسمان هم بریده و روی آب آمده‌اند. ناوچه موشک‌انداز با آن هیبت و سـروصدا اما برای این پرنده‌های سـاحلی غریبه محسوب نمی‌شود. در نزدیکی آن احساس امنیت می‌کنند. سـکانس عینـی جنگیـدن بـرای صلح! صلحـی آن‌قـدر آرام و لطیف که حتی آب در دل مرغ‌های دریایی هم تکان نمی‌خورد. بعد از اتمام صحبت‌های امیر خانزادی فرمانده نیروی دریایی، امیر فاضلی‌نیا و سرلشـکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسـلح، نوبتی هم که باشد نوبت عرض‌اندام فرمانده جوان نـاو بـه نمایندگـی از نیروهای تحـت امرش اسـت و بعد هم صـدور فرمان الحاق و زدن «زره» به دل آب‌های دریای عمان و پاسداری از منافع ملی ۸۰ میلیون ایرانی درجایی که در خط افقش، دریا و آسمان به هم می‌رسند. فرمانده جوان ناو پشت تریبون می‌رود و پس از معرفی خود و یگان تحت امرش بدو رو به‌سـوی شـناور می‌رود. همزمان با اسـتقرار فرمانده روی پل فرماندهی ناو، چند ده متر این سوتر روی اسکله، فرمان رسـمی الحاق ناو با رمز یازهرا(س) از سـوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح صادر می‌شود.

سکانس‌های بعدی به ترتیب می‌شود چند نیش گاز به موتور پرقدرت دیزلیِ شـناور، خرامیدن و فاصله گرفتن سینه ناو از کنار اسکله و درنهایت هم دور زدن و زدن به دل دریای عمان درحالی‌که یک پرچم خوشرنگ و سه‌رنگ در بالاترین نقطه ناو و روی دکل مخابراتی آن در اهتزاز است و تن خودش را به نسیم سواحل مکران سپرده و نرم بالا و پایین می‌رود. زره تمام‌ایرانی سـاخت کارخانجات نیـروی دریایی ارتش جمهوری اسـلامی ایران می‌رود تا پنجه فولادین رستم‌های ایران‌شهر باشد در دل آب‌های نیلگون شرق تنگه هرمز تا شمال اقیانوس هند. چنـد کیلومتر آن‌سـوتر هم ناوبنـدر بالگردبر عظیـم مکران آماده اسـت تا عرشـه خودش را روی بالگردهایی باز کند که آمده‌انـد تـا رسـما فرمان الحـاق او را بـه ناوگان رزمـی نیروی دریایـی صـادر کنند. مکـران، این دیـوار بلند دفـاع از منافع آب‌وخاك میلیون‌ها ایرانی هم می‌رود که پشتگرمی آن دسته از پاسدارانی باشد که از دریای عمان تا شمال اقیانوس هند و خلیج عدن و دریای سرخ و دریای کارائیب و هر جای دیگری از کره خاکی، محافظ منافع میلیون‌ها ایرانی باشـد که آب در دلشـان تکان نخورد. پاسـدار آرامش و لطافت و امنیتی که حتی مرغان دریایی هم زیر سـایه او احسـاس امنیت کنند. دست خدا به همراهشان.